

پنج روش برای آوردن جوانانها پای صندوق رای

تهرن- ایرنا- داشتن نسلی که فعال و مشارکتجو باشد و در زمینه‌های مختلف سیاسی و اجتماعی به مشارکت تمایل نشان دهد، نیازمند برنامه‌ریزی از دوران کودکی و نوجوانی است.

در تقویم سیاسی کشور تا چند هفته پیش هیچ انتخاباتی برای سال ۱۴۰۳ به چشم نمی‌خورد اما اکنون در وضعیتی به سر می‌بریم که نهایتاً تا میانه ماه آتی رئیس‌جمهوری جدید با انتخابات چهاردهم مشخص خواهد شد تا زمام امور اجرایی کشور را در دست گیرد. در این روزها یکی از موضوعاتی که مورد توجه ناظران و تحلیلگران سیاسی است نرخ مشارکت است و در همین ارتباط، اقبال نسل جوان به حضور پای صندوق‌های رای.

جوانان که نزدیک به یک سوم از جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند، یکی از گروه‌های جمعیتی اثرگذار در تحولات سیاسی و اجتماعی محسوب می‌شوند. نوع رفتار، کنشگری انتخابی و میزان مشارکت آنان در عرصه سیاست می‌تواند تعیین‌کننده ثبات و نهادمندی نظام سیاسی باشد. از این رو شناخت عوامل مرتبط با مشارکت سیاسی این قشر از جمعیت در ایران و برنامه‌ریزی برای جلب حضور و مشارکت فعالانه آنها در امور سیاسی و مشارکت انتخاباتی بسیار مهم و ضروری است.

در همین ارتباط، «داود میرمحمدی» در آذر ۱۴۰۲ در مقاله‌ای با عنوان «انتخابات و همبستگی جمعی؛ با تاکید بر اهمیت کنشگری جوانان در انتخابات» (۱) به این مساله پرداخته که بخشی از آن در ادامه آمده است؛

رای‌دهندگان جوان و آنچه از انتخابات می‌خواهند

رفتار انتخاباتی حداقل به صورت رای دادن یکی از سطوح مشارکت سیاسی است. از زمانی که یک شهروند می‌خواهد به این جمع‌بندی برسد

که در انتخابات شرکت کند یا نه تا زمانی که مجاب به شرکت در انتخابات شده و تصمیم می‌گیرد از میان گزینه‌های موجود دست به انتخاب بزند، عوامل و متغیرهای مختلفی از جمله جامعه‌پذیری سیاسی، تنوع‌گزینش، منافع فردی (هزینه فایده)، احساس ارزشمندی، رضایت از عملکرد دولت، ایدئولوژی سیاسی، نظر احزاب و جریان‌های سیاسی همسو و حامی نامزدها، نوع و ماهیت سیاست‌گذاری‌ها، عملکرد و توان نامزدها، کاندیدای مورد نظر رأی‌دهندگان و قیاس آن با احزاب رقیب، احساس امید به آینده، احساس آزادی و آسایش و اعتماد فردی و عمومی تأثیرگذارند.

روشن است که رأی‌دهندگان برای آگاهی از شخصیت و سوابق سیاسی کاندیداهای مورد نظر خود به سنجش آنان می‌پردازند و از طریق یک‌گزینش عقلانی از میان نامزدها افرادی را انتخاب می‌کنند که حقوق و منافع فردی و جمعی آنان را تأمین کنند. در این میان، شناخت رفتار انتخاباتی جوانان به عنوان کنشگران سیاسی کشور که درصد بالایی از جمعیت را به خود اختصاص می‌دهند واجد اهمیت ویژه است.

بنابر اعلام مدیر کل دفتر جمعیت نیروی کار و اقتصاد خانوار مرکز آمار ایران، حدود ۲۵ درصد از جمعیت کشور را گروه سنی ۱۵ تا ۲۹ ساله تشکیل می‌دهد. این گروه سنی در سال ۱۳۹۰ برابر ۲۳ میلیون و ۷۰۰ هزار نفر، سال ۱۳۹۵ برابر ۲۰ میلیون و ۵۱ هزار نفر و سال ۱۳۹۹ برابر ۱۷ میلیون و ۸۱۷ نفر بوده است. همچنین تا اسفند سال ۱۴۰۱ تعداد جمعیت ۱۸ تا ۳۵ ساله حدود ۲۱ میلیون نفر بوده است. حدود ۷.۵ (هفت و نیم) میلیون نفر از این جمعیت جوان جزو متولدان دهه شصت، نزدیک به ۱۱ میلیون نفر متولد دهه هفتاد و حدود دو میلیون و ۳۰۰ هزار نفر نیز متولد دهه هشتاد هستند. حدود ۱۰ میلیون و ۹۰۰ هزار نفر از این جمعیت جوان ۲۱ میلیونی مرد و ۱۰ میلیون و ۴۰۰ هزار نفر زن هستند.

از رویکرد روان‌شناختی و جامعه‌شناختی، جوانان از نظر بینش‌ها، منش‌ها، خواسته‌ها و خصوصیات روانی اجتماعی از ویژگی‌های خاصی برخوردارند که جنبه‌های مثبت و منفی را در بر می‌گیرد. از آنجا که سرعت تحولات در تمامی عرصه‌های زندگی بشری شتاب فزاینده و رو به تزایدی یافته است، تفاوت‌ها و وضعیت جدیدی را از حیث جغرافیایی، عاطفی، فکری، مشارکت‌پذیری و ارزشی از نوع آرمان‌خواهی، تحول‌خواهی، نوگرایی، سرزندگی، عدالت‌خواهی، آزادی‌خواهی و استقلال‌جویی در جوانان ایجاد کرده است.

کاوشی گذرا در متون روانشناسی بیانگر این واقعیت است که نسل جوان و نوجوان دارای نیازهای خاصی از قبیل امنیت و آسایش، احساس تعلق، مقبولیت و احترام، استقلال، قدردانی، داشتن هدف مشخص در زندگی، احساس هویت و شناخت خود، احساس رشد، کمال و خودشکوفایی، معنویت و مذهب بوده و خواستار مشارکت و ایفای نقش بیشتر در جامعه است.

جوانان نه تنها در فضای مدارس و دانشگاه‌ها حضوری فعال و مؤثر دارند، بلکه در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی جامعه حضوری تعیین‌کننده داشته‌اند. آنان حضور در عرصه‌های مختلف اجتماعی و دخالت در تعیین سرنوشت کشور را حق خود میدانند و با توجه به جمعیت خود، بیشترین نقش را در بسیاری از تصمیم‌گیری‌های مبتنی بر آرای مردم دارند. این نسل در آینده بدنه اصلی نظام را به وجود خواهد آورد و به دلیل برخوردار بودن از قدرت تحلیل و آگاهی به تحولات سیاسی، امید می‌رود که کشور را در جهت تحقق اهداف انقلاب بهتر کمک کند.

عوامل موثر بر مشارکت انتخاباتی جوانان

عوامل موثر بر مشارکت انتخاباتی جوانان

عوامل زیادی در تقویت مشارکت انتخاباتی جوانان نقش دارند که در این میان ترجیحات ارزشی افراد، عملکرد رسانه ملی و استانی، شبکه‌های اجتماعی، نهادهای اجتماعی، اعتماد اجتماعی، نظم اجتماعی، هویت ملی و دینی، فاکتورهای جمعیت‌شناختی، گروه‌های مرجع و دیگران مهم، عوامل قومی و مذهبی، فضای سیاسی حاکم بر کشور در زمان انتخابات، جامعه‌پذیری سیاسی، نقش خانواده و نظام آموزشی، ویژگی‌های شخصیتی و عملکرد نامزدها و فضای مجازی، دینداری و ویژگی‌های سرمایه اجتماعی رابطه معناداری با رفتار انتخاباتی جوانان نشان می‌دهند.

بدیهی است داشتن نسلی که فعال و مشارکت‌جو بوده و در زمینه‌های مختلف سیاسی و اجتماعی تمایل به مشارکت داشته باشد، نیازمند برنامه‌ریزی از دوران کودکی و نوجوانی است. در مدرسه و از طریق فعالیت‌های داوطلبانه است که به کودک می‌آموزند چگونه با دیگران و جامعه تعامل برقرار کرده و برای خود نظری داشته باشد و نظرش را چگونه بیان کند و برای تحقق خواسته‌های خود کوشش کند؛ بنابراین،

فعالیت‌های فوق برنامه‌ای که مستلزم بحث کار جمعی، حل مساله، بیان خود و صحبت کردن در جمع باشد، باید در برنامه‌های مدارس و دانشگاه‌ها لحاظ شده و از صورت‌های نمادین خارج و مشوق‌های لازم برای آن فراهم شود.

برای تقویت مشارکت سیاسی و تشویق و ترغیب حضور جوانان و آحاد ملت در انتخابات باید اقدامات متعددی در کوتاه مدت، میان مدت و بلندمدت صورت گیرد که مهمترین آنها در پی می‌آید:

۱- مشخص کردن چشمانداز روشن برای امیدواری مردم، اصلاح رفتار و عملکردها، تقویت کارآمدی نهادی و اداری، رفع مشکلات اقتصادی شغلی، معیشتی، مسکن و تشکیل خانواده جوانان و تلاش برای جبران کاستی‌ها، اعتمادسازی مبتنی بر تبیین القائنات شبهات و تردیدافکنی‌ها، ارائه پاسخ‌های اقناعی و مستدل و اطلاع‌رسانی دقیق، صریح و سریع.

۲- جوانان برای ورود به عرصه مشارکت سیاسی نیازمند آموزش درک مسائل سیاسی، انگیزه تحرک، کسب خبر صحیح و مهارت و قدرت تجزیه و تحلیل و استنباط حکم و ایجاد انگیزه هستند. مدیریت استراتژیک کشور باید در انتقال تجارب سیاسی خود با درایت و پختگی عمل کند و جوانان را که باید سکان مدیریت سیاسی اجرایی کشور را در دست بگیرند، درست تربیت و هدایت کند.

۳- توجه به مقوله جامعه‌پذیری سیاسی از جمله مهم‌ترین روش‌های تقویت هویت جمعی و گرایش به مشارکت‌پذیری در نوجوانان و جوانان محسوب می‌شود. مشارکت سیاسی احتیاج به مقدمات ذهنی و نگرشی و بعد از آن دانش و مهارت‌هایی دارد که باید در جریان جامعه‌پذیری رسمی و غیررسمی به دست آید؛ زیرا عوامل جامعه‌پذیری از مهم‌ترین عواملی است که در شکل‌گیری نگرش و کنش فرد نسبت به خود و دیگران و جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کند نقش ایفا می‌کند. علاوه بر خانواده، مدرسه، گروه‌های دوستان و همسالان و رسانه‌ها نیز از دیگر عوامل جامعه‌پذیری هستند که انسان در روند زندگی خود با آنها ارتباط داشته و بسیاری از مهارت‌هایی را که در زندگی به آنها نیاز دارد، فرا می‌گیرد.

۴. نقش نظام آموزش رسمی از مدرسه تا دانشگاه در آموزش شهروندی و تقویت روحیه مشارکت‌پذیری در خانواده، جامعه و به ویژه نسل نوجوان و جوان بسیار حائز اهمیت و درخور توجه است. مدارس و نظام آموزش رسمی باید در کنار برنامه آموزش رسمی، تعامل مثبت و هم افزا را

میان چهار حوزه نظام آموزشی شامل تعامل کودک، معلم، محیط و هنجارهای مدرسه برقرار سازد؛ موضوعی که برخی از جامعه‌شناسان آن را برنامه آموزشی پنهان نامیده‌اند.

در واقع این عناصر چهارگانه است که یادگیری کودکان را مشروط می‌کند. تعامل کودک، معلم، محیط و هنجارهای مدرسه بر مهارت‌های مدنی و سطح آگاهی عملی فرد و انتظارات و تصویر وی از خودش تأثیرگذار است. همچنین فضای آموزشی و جو حاکم بر کلاس درس متغیر مهمی در ایجاد نگرش تثبیت مفاهیم و تدریس دانش و مهارت‌ها است؛ بنابراین مهارت‌آموزی و نگرش‌های مثبت در جو باز و محیط آزاد به وجود می‌آید. هرچه سیاست‌های حاکم بر تربیت و آموزش آزادانه‌تر باشد و مباحث در قالب گفت و گو، بحث و مبادله استدلال‌های خود را نشان دهد، نگرش دانش‌آموزان درباره رقابت و شناخت آنها از مشارکت عمیق شده و تقاضای مشارکت در محیط اجتماعی بزرگتر افزون می‌شود.

در این شرایط است که نسلی مشارکت‌جو پا به عرصه وجود می‌گذارد که مشارکت را حق خود می‌داند و برای تحقق شرایط آن تلاش می‌کند. به علاوه، در این فضا استعدادها بیشتر شکوفا شده و مهارت‌ها مؤثرتر آموخته می‌شوند.

در این شرایط است که نسلی مشارکت‌جو پا به عرصه وجود می‌گذارد که مشارکت را حق خود می‌داند و برای تحقق شرایط آن تلاش می‌کند. به علاوه، در این فضا استعدادها بیشتر شکوفا شده و مهارت‌ها مؤثرتر آموخته می‌شوند.

۵- تلاش و تأکید بر تقویت، حفظ جایگاه و منزلت و کارکرد خانواده: با بهره‌گیری از نظریه آنتونی گیدنز که معتقد است ارتباط متقابل بین جامعه و خانواده می‌تواند در مشارکت سیاسی نقش داشته باشد، تأکید می‌شود مدیریت راهبردی کشور تلاش کند تا کارکردهای نهادی خانواده و جایگاه و اهمیت آن در جامعه و در بین نسل جوان حفظ و تقویت شود، زیرا میان کارکردها و روابط خوب اعضای خانواده و سازوکارهای رسمی مردم‌سالاری و مشارکت شباهت زیادی وجود دارد. در چارچوب خانواده موفق (خانواده منسجم، امیدوار، بالغ و ...) است که افراد از روابط اجتماعی و بلوغ کافی، خوداتکایی و اعتماد به نفس روان‌شناختی و مادی مورد نیاز برای ورود به صحنه ارتباط کارآمد با دیگران برخوردار می‌شوند. آموزش مشارکت سیاسی در جامعه تا حدود زیادی به وجود دموکراسی عاطفی در خانواده و رشد مهارت‌های ارتباطی در این عرصه وابسته است.

جمع بندی

تحلیل رفتار انتخاباتی یکی از کارویژه‌های اساسی جامعه‌شناسی انتخابات است که پژوهشگر می‌تواند با مطالعه انتخابات مختلف، الگوهای متعددی در رفتار انتخاباتی ارائه دهد. مشارکت در انتخابات و رأی دادن از مؤلفه‌های اساسی رفتار سیاسی شهروندان محسوب می‌شود.

مشارکت‌افزایی جوانان در انتخابات نیازمند اتخاذ تدابیر حکیمانه، عقلانی، هدفمند و به کارگیری شیوه‌ها و راه کارهای مناسب و بهینه است که بهره‌گیری از وجود نخبگان، صاحب نظران و افراد دلسوز انقلاب اسلامی، آگاه‌سازی و توصیه مردم و جوانان، اعتمادسازی و ایجاد رضایتمندی در میان مردم از مهمترین این شیوه‌ها است.